

تحلیلی بر تاثیرگرایش های محلی/طایفه ای بر انتخابات مجلس شورای اسلامی

(نمونه پژوهی: دهمین دوره انتخابات در حوزه انتخابیه ممسنی)

دکتر محمدرضا حافظنیا (استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.)

hafezn_m@modares.ac.ir

هادی اعظمی (دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

aazami@um.ac.ir

وحید صادقی (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

vahidsadeghi86@yahoo.com

سید محمد حسین حسینی (دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)

mh.hossein25@yahoo.com

چکیده

بخش عمده ای از کُنش و مَنش انسان تابع برداشت و ادراک محیطی آنهاست. اشتراک در برداشت از منافع و مصالح گروه به رفتار اجتماعی و سیاسی آنها معنا می بخشد. در این میان، طایفه به عنوان یک واحد زیستی/فرهنگی که منافع و مصالح کلان گروه در قالب آن نمود می یابد به کُنش طایفه گرایانه می انجامد به گونه ای که اعضاء ارزش های مرتبط با نحوه ادراک از مکان و محل زیست را بر ارزش های فراتر از محل یا مرتبط با محل های دیگر ترجیح می دهند. در جغرافیای انتخابات وجود طایفه گرایی ناظر بر اثرگذاری عناصر مکانی در مطلوب های موثر بر رفتار رأی دهندگان ساکن محدوده های خاص به عنوان پایگاه رأی آوری است. پژوهش حاضر که ماهیتی کاربردی دارد بر این فرض استوار است که در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی گرایش های محلی/طایفه ای مؤثرترین عامل در خلق پایگاه رأی آوری نامزدهای حوزه انتخابیه ممسنی بود به گونه ای که، پایگاه رأی آوری نامزدها در این حوزه بیش از آنکه تابع فرآیند کلان دموکراسی باشد، درون مایه ای خویشاوندی و در قالب بازتولید همآوردی های سنتی طایفه ای نمود یافت. داده ها و یافته های مورد نیاز پژوهش حاضر نیز به روش اسنادی (کُتب، نشریات و اینترنت) و میدانی (مشاهده و مصاحبه) گردآوری شده و با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و استفاده از نرم افزار GIS و Excel به تحلیل و کاوش داده های برگرفته از آمار دوره دهم انتخابات مجلس شورای اسلامی پرداخته شده است. نتیجه پژوهش نشان داد که خاستگاه آراء زادگاهی و طایفه ای نقش مؤثری در رأی آوری نامزدهای انتخاباتی دهمین دوره انتخابات حوزه یاد شده داشته است.

واژگان کلیدی: جغرافیای انتخابات، هویت مکانی، طایفه گرایی و حوزه انتخابیه ممسنی.

۱- مقدمه و بیان موضوع

انتخابات بنیادی‌ترین شناسه دموکراسی است که در هر فضای جغرافیایی و سیستم سیاسی قاعده و اصول خاص خود و به شیوه‌های خاصی برگزار می‌شود. انسان سیاسی به مثابه نامزد انتخاباتی از اجزاء و مولفه‌های مهم و زمینه‌ساز فرایند انتخابات به شمار می‌رود به نحوی که بدون بازیگر سیاسی، رأی‌دهنده نمی‌تواند کنشی/انتخابی داشته باشد. علت-کاوی عوامل موثر بر موفقیت کاندیدا در کارزار انتخاباتی گویای وجود مولفه‌ها و راهبردهای گوناگونی است به طوری که این سازمان‌ها در هر حوزه انتخابیه‌ای، متفاوت و گوناگون است. برگزاری انتخابات و چگونگی نقش‌آفرینی نامزدهای انتخاباتی در فضاهای جغرافیایی جنوبی ایران که هنوز مردم ساکن در این زیستگاه، بخش کلانی از کیستی/Identity خود را از «زمین» در مقام مادر هویت‌بخش می‌ستانند، عمدتاً متأثر از گرایش‌ها و تمایلاتی است که چاشنی و خمیرمایه‌ای مکانی و سکونتگاهی دارد. زاگرس‌نشین‌ها به ویژه حوزه انتخابیه ممسنی نمونه تپیک مکان و مردمانی هستند که عوامل زمینی/مکانی نه تنها امور اجتماعی بلکه بستر سیاسی و بخصوص پیکار انتخاباتی آن را تمام‌سطوح پوشانده و رفتار رأی‌دهندگان و بازیگران انتخاباتی را جهت و معنا داده است. طایفه‌گرایی در انتخابات ممسنی نمونه بارز پیوند مکان و سیاست است که پشتوانه آراء نامزدهای انتخاباتی این حوزه انتخاباتی را عمیقاً شکل داده است. از این رو پژوهش پیش‌رو در جستجوی این حقیقت است که پایگاه رأی نامزدها را در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد؟ در بیان فرضیه تحقیق به نظر می‌رسد گرایش‌های مکانی/طایفه‌ای بر نتیجه دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی اثرگذار بوده است.

۲- روش پژوهش

در رابطه با ادبیات پژوهش (انتخابات ممسنی) تاکنون اندک‌نوشتارهایی وجود داشته است اما آنچه که پژوهش کنونی را با این نوشتارها متمایز و جدا می‌کند، تحلیل دقیق دور دهم انتخابات و تبیین مفهومی/نظری دو مقوله طایفه و طایفه‌گرایی به همراه نظریات مرتبط با آن است. بنابراین این مقاله از این حیث مستفیض از نوآوری و ابتکاری است. گردآوری اطلاعات و روش پژوهش، اسنادی/کتابخانه‌ای و میدانی (مصاحبه و مشاهده) و توصیفی - تحلیلی است.

۳- شالوده‌ها، مفاهیم و نظریه‌ها

۳-۱- هویت مکانی

مکان علاوه بر بعد مادی، از بعد غیر مادی نیز برخوردار بوده و احساساتی را در ساکنان خود ایجاد می‌کند. به واسطه این احساسات، نوعی تعلق به مکان در افراد ایجاد شده که منجر به شکل‌گیری هویت مکانی^۱ می‌شود

^۱ . Place Identity

(Ahmadipor & Mirzaee tabar, 2010:47). هویت مکان در واقع نوعی ابراز وجود است که از معنای محیطی برای دلالت کردن یا تعیین هویت استفاده می‌کند (Hafez Nia & et. Al, 2012:195). هویت مکانی به عنوان یکی از راه‌های ارتباط میان انسان‌ها و مکان‌ها از رهگذر فرهنگ، نوع و ماهیت فناوری ساخت، نشانه‌ها و ویژگی‌های دیدمانی (بصری) و کالبدی ادراک می‌شود. در واقع، بخشی از هویت منظر با کالبد گذشت مکان پیوسته است و زمانی که مکان‌های خاطره‌انگیز با اتصال تاریخی به گذشته از بین می‌روند، چشم‌انداز مکانی هویت‌مند نابود می‌شود؛ چشم‌اندازی که می‌تواند با حیات مدنی امروز و تداوم تاریخی گذشته مکان را هویت‌مندتر کند (Hafez Nia & Kavyani Rad, 2014:207). طایفه از آن رو ماهیت و فلسفه‌ای جغرافیایی دارد که در درجه نخست پدیده‌ای مکان‌دار و فضایی را روی زمین به خود اختصاص داده است. به عبارتی، معرف یک «عینیت جغرافیایی» یا «واقعیت مکانی - فضایی» و از موقعیتی مکانی و ساخت فضایی برخوردار است. بنابراین وجه مشترک جنین واحدهایی، مکان مرجع بودن آنها است.

۲-۳- طایفه‌گرایی و نظریات جامعه‌شناختی

طایفه^۱، مجموعه یا گروهی از انسان ساکن در واحد زیستی/جغرافیایی است که در مقولات اجتماعی متعامل یا وابسته به هم هستند. طایفه یکی از آرکان‌های اساسی در سلسله مراتب ایلی و بنیادی‌ترین و مشخص‌ترین رده به شمار می‌رود. این گروه اجتماعی سنتی و پیشامدرن، دست کم در سه مقوله یعنی «قلمرو زیست مشخص»، «پیوندهای قومی و خویشاوندی» و «سنت و منافع مشترک» همسان و متشابه هستند. روابط در چنین گروه‌هایی، غیررسمی، اعضاء یکدیگر را می‌شناسند و روابط و پیوندهای شخصی و احساسی نیرومندی بین آنها برقرار است (Romina & Sadeghi, 2015:90).

طایفه، پدیده‌ای جغرافیایی است که در بستر تاریخ شکل گرفته است. طایفه‌گرایی^۲، پدیداری اجتماعی و سیاسی است که میل به گردهم‌آمدن در قالب اجتماع جهت حصول به اهداف سیاسی که همان طرفداری و رأی به نامزد انتخاباتی قلمرو زادگاهی و خویشاوندی خود است را دارد. از منظری دیگر، طایفه، «درون‌مایه» است که در متن‌های سیاسی/اجتماعی تبدیل به «فرم» (طایفه‌گرایی) می‌شود. از منظر جغرافیای بدن^۳، طایفه، «خویشتن» است که در هنگامه‌های خاص تبدیل به «نام‌نیک» می‌شود. به بیان دقیق‌تر، طایفه، «سکوت/چشم» است و طایفه‌گرایی، «کلام/زبان» (احساسات و عواطف قومی و خویشاوندی). طایفه به طور معمول، ذهن/درون است که در مواقع نارایج (مثل انتخابات) مبدل به دست و پا/حرکت/موومننت در قالب کنش سیاسی طایفه‌ای نمودار می‌شود. به لحاظ جامعه‌شناسی طایفه، خرده‌فرهنگ است و

^۱. Tribe

^۲. Tribalism

^۳. اصطلاح جغرافیای بدن (Body Geography) برای اولین بار توسط آقای وحید صادقی و سید محمد حسین حسینی در کتاب زیر چاپ تحت عنوان مدارهای توسعه‌نیافتگی در شهرستان ممسنی استفاده و تبیین شده است.

طایفه‌گرایی فرهنگ. آنچه که طایفه‌گرایی را فلسفه‌ای جغرافیایی بخشیده، احساس تعلق داشتن به یک محیط جغرافیایی ویژه است. این احساس و تعلق روانی به مکان فضایی خاص، باعث تجمع و تمرکز آراء در قلمرو زیستی و هویتی نامزدها می‌شود. این مسلک در حوزه فلسفه اخلاقی و اجتماعی با هرگونه قرارداد اجتماعی جمعی (نه گروهی) مخالف و آزادی انسان ساکن در قلمرو زیستی را محدود می‌کند. به لحاظ فلسفه اجتماعی ضد سعادت بشری و آدمی را در بند تمدن سودجوی کنونی قرار می‌دهد در عین اینکه بازگشت به گذشته بنیان و شالوده آن را تشکیل می‌دهد. تلاش طایفه‌گرایان بر این است تا با پیروز کردن نامزدِ مطلوبِ خود، فرصتی را برای رشد و توسعه زیرساختی و انسانی قلمرو خود فراهم سازند (Sadeghi, 2014: 17).

همانطور که پیشتر گفته شد طایفه، گروه اجتماعی سنتی و کهنه‌بنیادی است، به طوری که می‌توان گفت یکی از کهن‌الگوترین واحدهای اجتماعی به شمار می‌رود. در این میان گروه‌های اجتماعی تقسیمات گوناگونی دارند. گاهی بر اساس درجه سازمان‌پذیری اجتماع از گروه‌های «رسمی و غیررسمی» یاد می‌شود. گروه غیررسمی از ارتباط تنگاتنگ و روابط فردی صمیمانه شکل می‌گیرد که البته، به هنگام جدایی اعضای از یکدیگر تغییر یافته یا از میان می‌رود. در مقابل، شکل‌گیری و دوام گروه‌های رسمی به اهداف گروهی مشخص و به شرایط بیرونی گروه بستگی دارد و در آن اختلاف نظرها و تفاوت سلیقه‌ها تحت الشعاع قواعد و مقررات ویژه قرار می‌گیرد. در یک تقسیم‌بندی دیگر، می‌توان از «گروه نخستین و گروه دومین» سخن گفت. گروه نخستین (گمیشافت^۱) گروهی است که فرد (عضو گروه) در آن متولد می‌شود (اتحاد نسبی) یا به طریقی با آن ارتباط می‌یابد (اتحاد سببی). از نمونه‌های گروه نخستین می‌توان از گروه خانودگی، گروه قومی و طایفه‌ای^۲، گروه همسایگی و یا حتی گروه روستایی نام برد. به این ترتیب، گروه نخستین از افراد (اعضای) معینی تشکیل می‌شود که با یکدیگر روابط فردی و خصوص صمیمانه و مداومی دارند و با توجه به ارزش‌ها و هنجارهای گروهی، رفتار اعضا کنترل و هدایت می‌شود. گروه دومین (گزلشافت^۲) که آن را گروه‌های هم‌پیوند نیز می‌نامند، اساساً از تعداد افرادی بیشتری تشکیل می‌شود. در این گروه‌ها، نسبت به گروه نخستین، روابط رسمی و کنش متقابل محدودتر است و عضویت در گروه بر بنیاد تقاضا، انتخاب و پذیرش صورت می‌پذیرد. در جوامع با ساخت عشیره‌ای و طایفه‌ای معمولاً غلبه بر گروه‌های غیررسمی و گروه‌های نخستین است؛ به همین دلیل این گونه جوامع معمولاً جمع‌گرا، محافظه‌کار، بسته، همبسته، خانوادگی و طایفه‌ای و سنتی به شمار می‌روند (Saedi, 2012: 107). یک تقسیم‌بندی دیگر، «گروه درون‌گرا (خود) و برون‌گروه (غیرخود)» است. درون‌گروه (ما) عبارت از تعداد افرادی که فرد خود را متعلق به آنها دانسته،

^۱. معرف اجتماع محلی و طایفه‌ای است.

^۲. معرف جامعه است.

در حضور آنها احساس راحتی و خودمانی بودن می‌کند. احساس خودی (خودمانی بودن) که در یک گروه رشد می‌کند، معمولاً حاصل تجربه‌های مشترک و همگانی اعضای گروه است. برون‌گروه (گروه آنها)، عبارت از افرادی است که شخص، بین خود و آنها منافع مشترکی نمی‌بیند. چنین شخصی به ظاهر اطمینان دارد که به آن افراد تعلق ندارد. تقسیم‌بندی دیگر «جوامع باز و جوامع بسته» است. در جامعه باز ممکن است نابرابری‌های خاصی وجود داشته باشد، اما افراد آن از فرصت‌های اجتماعی مناسبی برای صعود به طبقه اجتماعی بالاتر برخوردار هستند. در چنین ساختی، افراد اگر لیاقت و پشتکار داشته باشند، می‌توانند به پایگاه‌های اجتماعی بالایی دست یابند. در جامعه بسته، پایگاه اجتماعی شخص در بدو تولد تعیین می‌شود و بدون تحرک به بالا و پایین، در همان پایگاه اجتماعی، تا پایان عمر، ثابت می‌ماند (Kohen, 2011: 127 & 319). به نظر می‌رسد ساخت قومی/طایفه‌ای حاکم بر ممسنی نمونه‌ای از جوامع غیررسمی، دومین، درون‌گروه و بسته است و افراد همه اقوام و طوایف در چنین فضای جغرافیایی، مجال چندانی برای تحرک اجتماعی صعودی ندارند.

۳-۳- جغرافیای انتخابات

جغرافیای انتخابات^۱، به جنبه‌های جغرافیایی انتخابات، همه‌پرسی‌ها، سازماندهی آنها به ویژه نتایج‌شان می‌پردازد و شرایط فرهنگی، اقتصادی و غیره را در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و ملی موثر می‌داند (Muir, 2007: 255). جغرافیای انتخابات به مطالعه الگوی توزیع فضایی قدرت در قالب روابط متقابل جغرافیا، انتخابات و قدرت می‌پردازد (Hafez Nia & Kavyani Rad, 2014: 263). این شاخه از جغرافیای سیاسی با تاکید بر اینکه رأی‌دهندگان ترجیحات خود را در خلاء بیان نمی‌کنند و فرایندهای تصمیم‌گیری سیاسی تحت تاثیر درجات متفاوتی از متن‌ها (ملی، منطقه‌ای و محلی) قرار می‌گیرند، بر نقش مهم جغرافیا در انتخابات تاکید می‌کند (Mirheydar & Mirahmadi, 2017: 162).

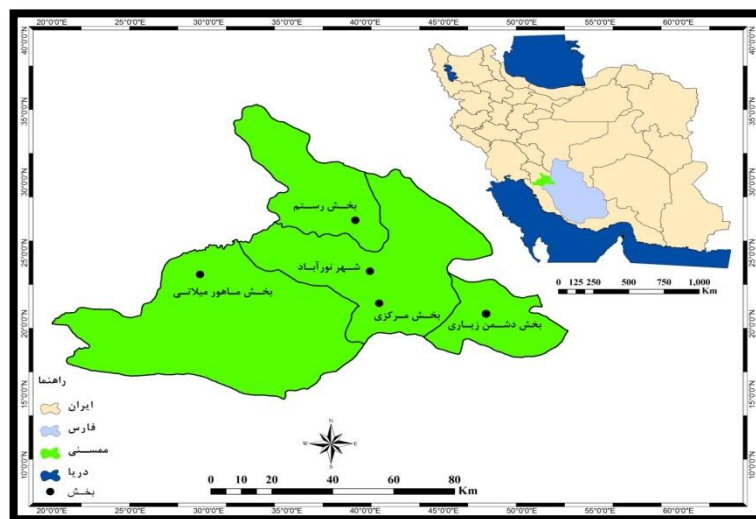
۴- قلمرو تحقیق

ممسنی با مرکزیت «نورآباد»، سکونتگاهی بس‌کهن در استان فارس شامل سه گروه زبانی گری (اکثریت)، ترکی قشقایی (اقلیت) و عرب (اقلیت) با ۱۶۱۹۱۳ نفر جمعیت است. این فضای جغرافیایی چهار بلوک قدرت را در سپهر سیاسی خود جای داده است. قدرتمندترین، بلوک بخش مرکزی با ۹۸۸۱۶ نفر جمعیت است که مکان زیست طوایف جاوید و بکش است. بخش (شهرستان) رستم، با ۴۴۳۶۱ نفر جمعیت در جایگاه دوم و دو بلوک دشمن‌زیاری و ماهور

^۱ . Electoral Geography

میلاتی با داشتن ۹۳۲۶ و ۵۲۹۷ نفر جمعیت از کم‌پشت‌ترین نواحی جغرافیایی ممسنی به شمار می‌روند (Kavyani Rad & et. al,2021:153)

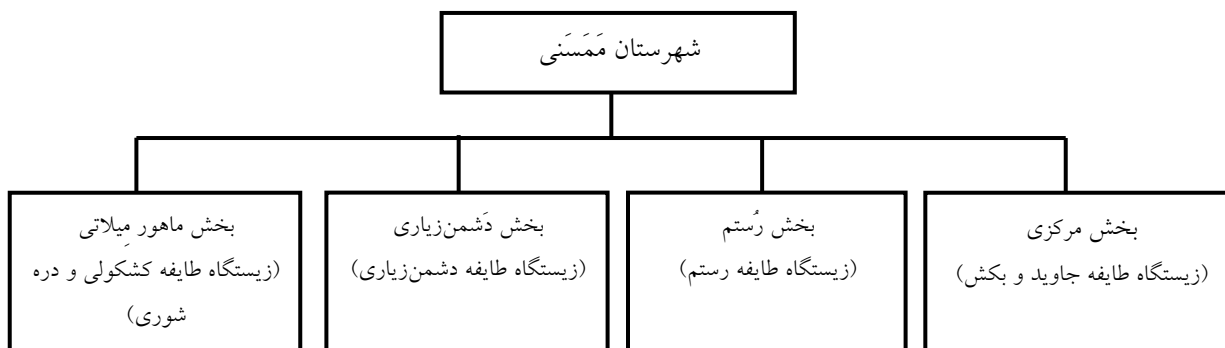
نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان ممسنی



(Sadeghi,2014:54)

انسان ساکن در حوزه انتخابیه ممسنی، انسانی «دیارگرا و وُردطلب» است. این انسان در هنگامه‌های سیاسی بخصوص انتخابات مجلس شورای اسلامی دچار «مستی درون» می‌شود به طوری که شور و شوق فزاینده‌ای درون آن را دربر گرفته و حس مکانی/زادگاهی و نیروی گرایش به مرکز در آن فوران و تسلط بر مرزهای زیستی/طایفه‌ای گسترش و بسط داده می‌شود. این انسان در زمان انتخابات بشدت ماهیت جغرافیایی به خود می‌گیرد و نه تنها امور سیاسی بلکه کنش اجتماعی آن تمام‌سطوح معطوف به جغرافیای زیستی می‌شود. با شکل‌گیری و بروز بُعد جغرافیایی انسان ممسنی و ترکیب بُعد سیاسی این انسان در مکانیسم انتخابات برای کسب قدرت سیاسی زمینه برای شکل‌گیری ژئوپلیتیک شدن این انسان فراهم می‌شود. اینجاست که انسان ممسنی در زمان انتخابات بیش از هر زمان دیگر موجودی ژئوپلیتیک/انسان ژئوپلیتیکی می‌شود. از شناسه‌های این انسان، قلمروطلبی و قلمروگستری است. با این حال اگر طغیان چنین هویت مکانی‌ای در پیوند با دیگر مولفه‌های اجتماعی و با مقیاسی فراتر از طایفه/زادگاه/قلمرو باشد می‌توانست بستر توسعه‌یافتگی ممسنی را فراهم و بازساخت کند.

نمودار شماره ۱: چهار حوزه ژئوپلیتیک حوزه انتخابیه ممسنی



۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- انتخابات دور دهم مجلس شورای اسلامی و جستار تاثیر گرایش‌های طایفه‌ای

دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۷ اسفند ۱۳۹۴ برگزار شد. در این انتخابات دهمین نماینده حوزه انتخابیه ممسنی برای دوره‌ای چهار ساله برگزیده شد. مجموعاً ۳۶ نفر در انتخابات دور دهم ثبت نام کردند که صلاحیت ۱۷ نفر یعنی مسعود گودرزی، عبدالرضا مرادی، مجید انصاری، سید یداله حسینی، نوذر شفیعی، نوذر بناوی، مسعود امیران، ناصر یوسفی اصل، محمد گودرزی، شکراله زارعی، فریدون زارع خفّری، حسین امیری، سید جعفر هاشمی، محسن پروین، محسن غلامی، ساسان سالاری و محمد محمودی مورد تایید قرار گرفت (جدول شماره ۱). از میان این ۱۷ نفر شکراله زارعی، حسین امیری، محسن پروین، نوذر بناوی، مسعود امیران و ناصر یوسفی اصل قبل از برگزاری انتخابات انصراف خود را از ورود به انتخابات اعلام و وارد کارزار انتخابات نشدند (Mamasani, 2016).
Governorate, 2016) اقدام شورای نگهبان در تایید صلاحیت ۱۷ نفر، از میان حدود ۳۶ نامزد نمایندگی مجلس، از نکات جالب توجه این انتخابات بود. در بین اسامی تایید صلاحیت شده، نام دو تن از نمایندگان حوزه انتخابیه ممسنی یعنی عبدالرضا مرادی (نماینده دور هشتم) و نوذر شفیعی (نماینده دور نهم) که از منزلت اجتماعی تقریباً بالایی در جذب آراء در حوزه جغرافیایی شان (طایفه بکش) برخوردار بودند، به چشم می‌خورد. افزون بر تعدد نامزدها، از جمله شناسه‌های این دوره از انتخابات، تنوع روش‌های تبلیغاتی و بهره‌گیری از تبلیغات در فضای مجازی در کنار روش‌های سنتی تبلیغاتی (پلاکاردها، تراکت‌ها و بنرها) بود. پلت‌فرم‌های پیام‌رسان، شبکه‌های اجتماعی و تارنما‌های خبری گوناگون، در کنار انبوه وبلاگ‌ها و سایت‌های اینترنتی بر هیجان و شور فضای انتخابات دور دهم می‌افزود و حامیان نامزدها از مدت‌ها پیش از برگزاری انتخابات با بهره‌گیری از این ابزارها سعی در تبلیغ نامزد مطلوب خود می‌کردند. از مجموع ۱۱ کاندیدا، ۵ داوطلب از طایفه بکش، ۲ داوطلب از طایفه جاوید و ۴ داوطلب مُتَنَسَب به طایفه رستم بود و بلوک دشمن‌زیاری و ماهور میلّاتی

نیز نامزدی در انتخابات نداشتند. همچنین از لحاظ جناح‌بندی و گرایش‌های سیاسی، مواضع سیاسی برخی از نامزدها از همان آغاز انتخابات مشخص بود و برخی از آنها مشی سیاسی‌شان مشخص نبود.

با توجه به تعدد و کثرت داوطلب در درون طایفه بکش و رستم به نظر می‌رسید نوعی ناهماهنگی و اختلاف دیدگاه بر سر اجماع بر روی یک نامزد وجود داشت. در رابطه با اینکه چرا اجماع صورت نگرفت باید اذعان کرد که برخی از نامزدها برای نخستین بار پا به صحنه انتخابات گذاشته بودند و از این روی جهت شناخت هر چه بیشتر خود به رأی-دهندگان و کسب معروفیت و شهرت برای کاندیدا شدن در انتخابات ادوار بعد، مُصر بودند در عرصه بمانند. در عین حال یکی از قوی‌ترین دلایل که باعث شد تا طایفه بکش هماهنگی و اجماع بر روی یک کاندیدا نداشته باشد این بود که همواره این طایفه خود را در مقابل طایفه جاوید می‌دید و از آنجایی که کاندیدای اصلی طایفه جاوید (محمد رنجبر) تأیید نشده بود، در این دوره نتوانست همانند ادوار قبل خوش بدرخشد و نتیجه اینکه طایفه بکش، چون رقیبی (دیرینه) آن را تهدید نمی‌کرد، یکپارچه و همگرا نشد. همچنین با توجه به شکاف جغرافیایی و فرهنگی که در درون طایفه رستم وجود داشت اجماع بر روی یک داوطلب بعید به نظر می‌رسید. طوایف دشمن‌زیاری و ماهور میل‌اتی به دلیل نداشتن جمعیت لازم، پراکندگی جمعیت و دوری از مرکز (جغرافیایی)، از وزن سیاسی بالایی در رقابت‌های انتخاباتی برخوردار نیستند و دائماً در فرایند انتخابات نقش آراء شناور را بازی می‌کنند.

با این حال با توجه به شهرت و پیشینه سیاسی هر یک از نامزدها توان برآورد اینکه کدامیک از این نامزدها، محبوب و پُرزن و کدامین، پایگاه حمایتی کم‌شمارتری دارند، وجود داشت. رقابت در طایفه بکش بین سه کاندیدای اصلی این حوزه یعنی نوذر شفیعی، عبدالرضا مرادی و مسعود گودرزی در جریان بود و دیگر نامزدهای نوظهور یعنی محسن غلامی و ساسان سالاری به دلیل کم‌تر شناختگی و کم شهرت بودن، میزان پذیرش و پایگاه مردمی کمتری داشتند. شفیعی در این دوره برعکس دور قبل رقبای پروزنی هم در قلمرو خود و هم در دیگر بلوک‌های قدرت داشت. از این رو دیگر خبری از شانس، معجزه و امدادهای غیبی نبود. همچنین با توجه به ضعف عملکردی این فعال سیاسی متناسب با منافع و مطالبات رأی‌دهندگان در چهار سال نمایندگی خویش، آشکار بود با بحران مقبولیت و کارآمدی روبه‌رو می‌شود، این شد که شفیعی از گردونه رقابت خارج و هم‌اوردی بین عبدالرضا مرادی و مسعود گودرزی شکل گرفت. از آنجایی که مرادی تجربه یک دوره نمایندگی را در کارنامه خود داشت نسبت به گودرزی در طایفه بکش، شناخته‌تر و خوش‌اقبال‌تر می‌نمود و در نتیجه پشتوانه رأی بیشتری در این قلمرو زیستی داشت، به عبارتی، کاندیدای اصلی (بخش عمده) قلمرو بکش در این دوره مرادی بود و گودرزی با توجه به پیوند سببی (خویشاوندی از طرف همسر ایشان) که با طایفه جاوید داشت به نظر پایگاه رأی خود را در فضای جغرافیایی قلمرو جاوید دنبال می‌کرد و از این رو نامزد بخشی از بدنه (تیره) طایفه بکش و در واقع نامزد اصلی طایفه جاوید به نظر می‌رسید.

در بین طایفه رستم، رقابت بین سه کاندیدای تقریباً هم‌وزن مجید انصاری و سید یداله حسینی و سید جعفر هاشمی بود. با توجه به اینکه مجید انصاری یک دوره نامزد (دور نهم) انتخابات شده بود و توانسته بود آراء قابل ملاحظه‌ای را اخذ کند، از این رو با کسب تجربه انباشته سیاسی و نام‌آوری چشمگیر وارد مبارزات انتخاباتی شد و نسبت به دو نامزد دیگر یعنی سید یداله حسینی و سید جعفر هاشمی پایگاه حمایتی پُرشمارتری داشت. در بین طایفه جاوید کاندیدای سنگین‌وزن و مُتفِذ وجود نداشت؛ چراکه نامزد کاریزماتیک این طایفه یعنی محمد رنجبر نتوانست از هزار توی درون/شورای نگهبان عبور و تایید صلاحیت شود.

با این توصیف از همان آغاز و قبل از شروع قانونی فعالیت‌ها و تبلیغات انتخاباتی گمانه‌زنی‌ها و آنچه در میان ساکنان و افکار عمومی اجتماع ممسنی جریان داشت گویای آن بود که پیکار بین دو کاندیدای حوزه جغرافیایی بکش و رستم یعنی عبدالرضا مردای و مجید انصاری شکل می‌گیرد، لکن این پیش‌بینی به واسطه سرشکن شدن آراء در بین بازیگران طایفه رستم و همچنین تغییر و تحولاتی که در جناح‌بندی و طیف‌های سیاسی برخی از اکتیویست‌های انتخاباتی شکل گرفت، به درستی از آب در نیامد. در این دوره عبدالرضا مردای و مجید انصاری، خود را به عنوان کاندیدای طیف سیاسی اصول‌گرا معرفی کردند و نیز سید جعفر هاشمی از طایفه رستم که انتظار می‌رفت به عنوان یک چهره اصلاح‌طلب معرفی شود، وارد لیست موسوم به امید و اصلاحات نشد، بنابراین انتظار می‌رفت نامزدی دیگر جانشین وی شود که همین‌طور هم شد و مسعود گودرزی با غنیمت شمردن فرصت، خود را به عنوان یک چهره فراطایفه‌ای و اصلاح‌طلب معرفی کرد و وارد لیست اعتدال و اصلاحات شد.

با ورود نام مسعود گودرزی در لیست موسوم به امید و اصلاحات و معرفی وی به عنوان کاندیدای جناح/نه طایفه، و فضا‌سازی‌های جهت‌دار پشت‌پرده این جریان سیاسی، معادلات منطقه به نظر تغییر کرده و موجی/جریانی از پایگاه حمایتی نه چندان شفاف و قَدَر در بین رأی‌دهندگان و افکار عمومی جامعه در جهت حمایت از وی شکل گرفت از این رو ایشان توانست از خود چهره‌ای تحول‌خوا و اصلاح‌طلب، یار مردم و همسو با سیاست‌های دولت (تدبیر و امید) نمودار دهد. بنابراین، رقابت نفس‌گیر بین عبدالرضا مردای و مسعود گودرزی که هر دو از یک جغرافیا و هویت (به لحاظ کُجایی و کیستی بودن) بودند^۱ از رو گرفت و این مسئله باعث شد، شور و اشتیاق مردم (تحریک عواطف و تعصب) برای حضور پای صندوق‌های اخذ رأی برانگیخته شود و با خانواده و خویشان به شعبات اخذ رأی هجوم آورند و رأی‌شان را به نفع کاندیدای مطلوب خود به صندوق آراء ببندازند. از این رو، هر کدام از طوایف و قلمروهای جغرافیایی تلاش می‌کردند که با ایجاد و گسترش حوزه نفوذ و پایگاه رأی‌آوری، کانون استواری از جریان‌ها و افراد بانفوذ را بر گرد نامزد مطلوب

^۱. مسعود گودرزی و عبدالرضا مردای به لحاظ جغرافیایی (کجایی) متعلق به بخش مرکزی و به لحاظ هویتی (کیستی) منتسب به طایفه بکش هستند.

خود فراهم آورند و نامزدهایی را که با آنها قرابت مکانی یا جناحی (وابستگی محلی - جناحی) دارند، به گُرسی مجلس نشانند. با وجود این هیچکدام از این نامزدها نتوانستند حائز کسب اکثریت آراء شوند و انتخابات بین مسعود گودرزی با کسب ۲۶۳۶۱ رأی و عبدالرضا مرادی با اخذ ۲۲۳۹۵ رأی به مرحله دوم کشیده شد (جدول شماره ۱).

پردازش رفتار انتخاباتی در مرحله اول انتخابات نشان می‌دهد که رأی‌دهندگان نامزدهایی را که با آنها از لحاظ هویتی و طایفه‌ای قرابت نزدیکی داشته‌اند را انتخاب کرده‌اند، بنابراین خاستگاه تباری و دودمانی آراء نامزدها در مرحله اول انتخابات مجلس دهم قابل توجه است. آراء نامزدها نیز مؤید این مطلب است که به راستی عامل تعیین‌کننده رفتار انتخاباتی هویت/مکان‌گرایانه است و با وجود اینکه برخی از نامزدها از طیف خاصی حمایت می‌کردند، لکن به نظر می‌رسد گرایشات جناحی و سیاسی آنچنان در افزایش پایگاه رأی‌آوری این نامزدها توانمند ظاهر نشده است به طوری که، همه داوطلبان در بین زادگاه و منطقه جغرافیایی طایفه خودشان که به نوعی حوزه نفوذ آنها به شمار می‌رفت، رأی اول را اخذ کرده‌اند (جدول شماره ۲)، در صورتی که این رویدادها - که ریشه در هویت جغرافیایی و طایفه‌ای داشت - رخ نمی‌داد، انتظار می‌رفت فرجام انتخابات به گونه‌ای دیگر رقم خورد.

مرحله دوم انتخابات در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ در حوزه انتخابیه ممسنی رسماً آغاز شد. در این مرحله با توجه به ساختار طایفه‌ای که در فضای جغرافیایی ممسنی وجود داشت، میزان مشارکت انتخاباتی ۱۷ درصد نسبت به مرحله اول کاهش پیدا کرد (جدول شماره ۵). در این مرحله تحرکات و فعالیت‌های تبلیغاتی نامزدها در مکان‌ها و فضاها جغرافیایی که از وزن محلی و مکانی بالا و بیشترین میزان جمعیت رأی‌دهنده را داشتند، صورت گرفت و هرکدام قسمتی از مناطق جغرافیایی را در قلمرو نفوذ خود قرار دادند. به نظر می‌رسد تحرکات و فعالیت عبدالرضا مرادی در فضای جغرافیایی رستم و ماهور میلانی بیشتر نمود داشت و همینطور مسعود گودرزی در فضای جغرافیایی جاوید و دشمن‌زیاری بیشترین میزان آمد و شد و تکاپو را داشت. گودرزی که به نظر می‌رسید نسبت به مرادی در قلمرو جغرافیایی رستم کمتر فعالیت و نقش‌آفرینی داشته و بیشترین وقت و زمان کُنش‌گری خود را در سامان جاوید و دشمن‌زیاری سپری کرد، توانست تقریباً دو برابر رقیب خود در این منطقه رأی بیاورد (جدول شماره ۳). عبدالرضا مرادی که تقریباً بیشترین زمان فعالیت انتخاباتی خود را در منطقه رستم داشت، نتوانست به اهداف انتخاباتی خود که جذب حداکثر آرای این طایفه بود، برسد. این موضوع را می‌توان اینگونه تحلیل کرد که با توجه به شایعه‌ای (خبر نادرست) که در مرحله اول انتخابات در رابطه با آرای مرادی مبتنی بر اینکه تخلفاتی در برخی از صندوق‌های رأی جهت حمایت از وی صورت گرفته و باعث افزایش رأی و صعود

وی به جایگاه دوم شد^۱ که این مسئله در الگوی رأی مرادی در بخش رستم اثرگذار ظاهر شد، چراکه بخش عمده‌ای از مردم طایفه رستم در این قضیه گله‌مند و کینه به دل گرفتند و این مسئله منجر شد تا در الگوی رأی مرادی اثرگذار باشد و بخش کثیری از رأی‌دهندگان منطقه رستم از سر کینه و لجاجتی که از مرادی بر دل داشتند به ایشان روی نیاورند و به سمت گودرزی رفتند.^۲ شکست عبدالرضا مردای اکنون به طور مستقیم نفوذ وی را در میان رأی‌دهندگان رستم زیر سوال برده است.

شاید این پرسش مطرح شود که چرا جاویدی‌ها به گودرزی روی آوردند و نه به مرادی؟ اولاً؛ جاوید و بکش با هم رقابت (تعارضات تاریخی جاوید و بکش در کارزار انتخابات) دارند، دوماً؛ گودرزی داماد این طایفه به شمار می‌رفت^۳، سوم اینکه؛ ساکنان و نیروهای سیاسی جاوید، سکوت و جانبداری نکردن مرادی از قاعدی در دور نهم را فراموش نکردند. اگر در آن بزرگه حساس و مهم، مرادی زیرکی سیاسی خرج می‌داد و حالا که شفیعی را آترناتیو درخوری برای خود نمی‌دانست (از شفیعی دل خوشی نداشت)، شالوده استراتژی انتخاباتی خود را بر مبنای «نمک‌گیری» استوار و از کاندیدای منطقه جاوید حمایت می‌کرد اینجا بود که جاویدی‌های نمک‌شناس، وفادارتر از هر زمان ظاهر می‌شدند و جبران مافات می‌کردند. می‌توان گفت مرادی با خودداری از اعلام حمایت از قلمرو جاوید در واقع «خودکشی سیاسی» کرد. از دیگر سو، نارضایتی اجتماعی و ادراک اجتماعی بخش گسترده‌ای از مردم طایفه جاوید مبنی بر اینکه مرادی در دور نمایندگی خویش (دور هشتم) آنها را در قدرت شریک و سهم نکرده و امکانات و تسهیلات لازم را برای فضای جغرافیای این طایفه فراهم نکرده پیش‌آمدی فزونتر تا بالاترین رأی را نسبت به دیگر طوایف به مسعود گودرزی بدهند.

در دیگر مناطق جغرافیایی که متناسب به بلوک مهور میلانی و دشمن زیاری بود و نقش آراء سرگردان/شناور را بازی می‌کردند، مسعود گودرزی با توجه به قدرت بیان و قدرت چانه‌زنی بالا و نیز رایزنی‌ها و لابی‌گری‌های لازم با متنفذان و متمولان محلی این طوایف توانست بالاترین رأی را نسبت به مرادی در این مناطق جغرافیایی اخذ کند، چراکه در رقابت‌های انتخاباتی نیز زبان و لحن به کار رفته در سخنرانی‌ها و الگوهای تعاملی با رأی‌دهندگان از سوی کاندیدا بسیار اهمیت داشته و بر رأی‌آوری آنها تاثیر زیادی دارد (Hafez Nia, 2017: 176) که این مهم، یکی از دلایل اساسی توفیق گودرزی در رقابت‌های انتخاباتی بود از این رو فرجام انتخابات با پیروزی مسعود گودرزی به اتمام رسید.

۱. هر چند این موضوع، شایعه (خبر نادرست) بود، ولی بسیار شایسته تعمق و دقت بود. از این رو با توجه به شکایت مجید انصاری، فرمانداری ممسنی ملزم به بازشماری و اعلان برخی از صندوق‌های رأی مشکوک و چالشی شد که در نهایت صحت این صندوق‌ها مورد تایید قرار گرفت.

۲. چراکه بخشی از مردم طایفه رستم بر این باور بودند که کاندیدای زادگاه خود یعنی مجید انصاری در واقع نفر دوم بوده است و عبدالرضا مرادی در این زمینه با تخلف به جایگاه دوم رسیده است.

۳. مسعود گودرزی هر چند خود از سامان بکش بود، لکن با توجه به خویشاوندی که از طرف همسر خود با طایفه جاوید داشت، «داماد» این طایفه به حساب می‌آمد بنابراین مردم این فضای جغرافیایی با وی احساس قربت می‌کردند (پایگاه رأی خویشاوندی و طایفه‌ای).

می‌توان نتیجه گرفت با وجود اینکه، نامزدها در این دوره از طیف خاصی حمایت می‌کردند، اما سیر کمی و کیفی رخدادهای مبین این است که همه نامزدها به یاری طایفه و خویشان پُر شمار و گسترده‌شان که در زیستگاه جغرافیای خودشان ساکن هستند، بیشترین پشتوانه آراء را کسب کرده‌اند. این مهم حکایت از این دارد که انتخابات در این دوره، تابع تعصبات طایفه‌ای و فامیلی بوده است تا جریان‌های جناحی و سیاسی. از مجموع ۹۲۰۳۲ آراء ماخوذه، مسعود گودرزی از طایفه بکش با کسب ۵۵۹۹۵ رأی (۶۰ درصد) به مجلس راه یافت (جدول شماره ۴ و ۵). از سوی دیگر، می‌توان برخی از مهمترین سازه‌هایی (عواملی) که در پایگاه رأی‌آوری مسعود گودرزی موثر بودند را چنین برشمرد: ۱- نگرش‌ها و وابستگی‌های محلی/طایفه‌ای، ۲- تاثیر همسایگی و آراء مبتنی بر نیازهای محلی، ۳- هویت جغرافیایی (حوزه جغرافیایی سکونت)، ۴- خانواده و تبار خانوادگی، ۵- آراء از سر اختلاف و لجاجی، ۶- وابستگی‌های حزبی/جناحی (اصلاحطلب)، ۷- جغرافیای قدرت^۱، ۸- تحصیلات (دکترای علوم سیاسی). جمعیت واجد شرایط جهت شرکت در این انتخابات ۱۳۸۰۰۰ نفر و مجموع آراء شرکت‌کنندگان در مرحله اول و دوم انتخابات به ترتیب ۱۱۵۷۳۹ و ۹۲۰۳۲ نفر، یعنی به ترتیب ۸۳ و ۶۶ درصد از کل بود و از ۲۰۹ شعبه اخذ رأی مجموع کل آراء ماخوذه در مرحله اول و دوم انتخابات به ترتیب ۱۱۶۷۱۱ و ۹۲۶۶۶ رأی و آراء باطله به ترتیب ۹۷۲ و ۴۳۴ برگ بوده است (جدول شماره ۳ و ۵). همچنین از مجموع ۱۱ نامزد انتخاباتی از نظر تحصیلات ۵ نفر دکتری، ۳ نفر دانشجوی دکتری، ۳ نفر کارشناسی ارشد بوده است و از نظر شغلی ۳ نفر استاد دانشگاه، ۲ نفر قاضی، ۲ نفر فرهنگی، ۲ نفر کارشناس ارگان‌های دولتی، ۱ نفر پزشک و ۱ نفر وکیل بوده است. از نظر طایفه، طایفه بکش با ۵ نامزد (۴۵ درصد) بیشترین شمار داوطلب و طایفه جاوید با ۳ نامزد (۲۷ درصد) کمترین داوطلب را در این دوره از انتخابات داشتند (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: آراء نامزدها در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

ردیف	اسامی نامزدها	طایفه	حوزه انتخابیه	تحصیلات	شغل	آراء نامزدها
۱	مسعود گودرزی	بکش	ممسنی	دکتری	استاد دانشگاه	۲۶۳۶۱
۲	عبدالرضا مرادی	بکش	ممسنی	دانشجوی دکتری	قاضی	۲۲۳۹۵
۳	مجید انصاری	رستم	ممسنی	دانشجوی دکتری	وکیل	۱۹۴۹۲
۴	سید یداله حسینی	رستم	ممسنی	کارشناسی ارشد	کارشناس صدا و سیما	۱۳۹۷۶
۵	سید جعفر هاشمی	رستم	ممسنی	کارشناسی ارشد	کارشناس دبیرخانه تشخیص مصلحت نظام	۹۵۷۳
۶	نوذر شفیعی	بکش	ممسنی	دکتری	استاد دانشگاه	۸۷۳۵
۷	محمد محمودی	جاوید	ممسنی	دکتری	قاضی	۶۱۹۶
۸	محسن غلامی	بکش	ممسنی	دانشجوی دکتری	استاد دانشگاه	۲۷۷۹

^۱ منظور تمامی نمایندگان ادوار قبل حوزه انتخابیه ممسنی است که در جرگه حمایت از مسعود گودرزی کوشش مضاعف کردند.

۲۴۶۰	فرهنگی	کارشناسی ارشد	ممنسی	جاوید	فریدون زارع خفری	۹
۲۱۵۱	پزشک	دکتری	ممنسی	بکش	ساسان سالاری	۱۰
۱۶۲۱	فرهنگی	دکتری	ممنسی	رستم	محمد گودرزی	۱۱

Suorse: (Mamasani Governorate,2016)

جدول شماره ۲: آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها در مرحله اول در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

ردیف	اسامی نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفه رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفه دشمن‌زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفه ماهورمیلاتی)	جمع آراء
۱	مسعود گودرزی	بکش	۲۰۰۸۲	۱۷۵۵	۳۰۵۴	۱۴۷۰	۲۶۳۶۱
۲	عبدالرضا مرادی	بکش	۱۶۴۴۷	۲۵۴۵	۱۷۱۰	۱۶۹۳	۲۲۳۹۵
۳	مجید انصاری	رستم	۵۰۱۹	۱۳۸۸۳	۴۰۹	۱۸۱	۱۹۴۹۲
۴	سید یداله حسینی	رستم	۲۷۹۹	۱۰۴۴۷	۴۰۳	۳۲۷	۱۳۹۷۶
۵	سید جعفر هاشمی	رستم	۳۰۶۴	۶۲۲۷	۷۵	۲۰۷	۹۵۷۳
۶	نوذر شفیعی	بکش	۵۷۷۸	۱۱۴۶	۴۱۵	۱۳۹۶	۸۷۳۵
۷	محمد محمودی	جاوید	۶۰۹۶	۵۱	۴۴	۵	۶۱۹۶
۸	محسن غلامی	بکش	۲۳۰۷	۱۵۱	۱۵۴	۱۶۷	۲۷۷۹
۹	فریدون زارع خفری	جاوید	۲۴۲۰	۱۳	۱۹	۸	۲۴۶۰
۱۰	ساسان سالاری	بکش	۱۶۲۴	۵۳	۱۴۹	۳۲۵	۲۱۵۱
۱۱	محمد گودرزی	رستم	۲۴۰	۱۳۴۳	۲۷	۱۱	۱۶۲۱

Suorse: (Mamasani Governorate,2016)

جدول شماره ۳: میزان مشارکت در مرحله نخست دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

دوره دهم انتخابات مجلس شورای اسلامی			نام حوزه انتخابیه
میزان درصد	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۸۳	۱۱۵۷۳۹	۱۳۸۰۰۰	ممنسی

Suorse: (Mamasani Governorate,2016)

جدول شماره ۴: آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها در مرحله دوم دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

ردیف	اسامی نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفه رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفه دشمن‌زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفه ماهورمیلاتی)	جمع آراء
۱	مسعود گودرزی	بکش	۳۲۳۱۳	۱۷۳۳۹	۳۸۸۹	۲۴۵۴	۵۵۹۹۵
۲	عبدالرضا مرادی	بکش	۲۲۹۵۰	۹۵۹۶	۱۷۵۵	۱۷۳۶	۳۶۰۳۷

Suorse: (Mamasani Governorate,2016)

جدول شماره ۵: میزان مشارکت در مرحله دوم دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

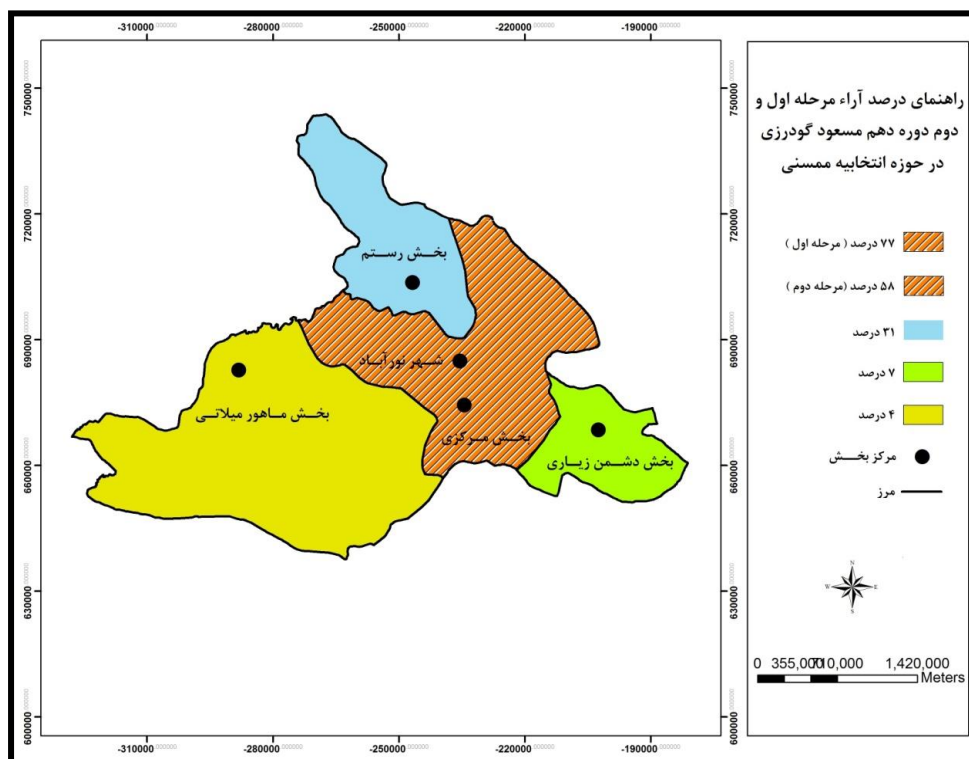
نام حوزه انتخابیه	دوره دهم انتخابات مجلس شورای اسلامی		
	میزان مشارکت	میزان درصد	جمعیت واجد شرایط
ممسنی	۹۲۰۳۲	۶۶	۱۳۸۰۰۰

Suorse: (Mamasani Governorate,2016)

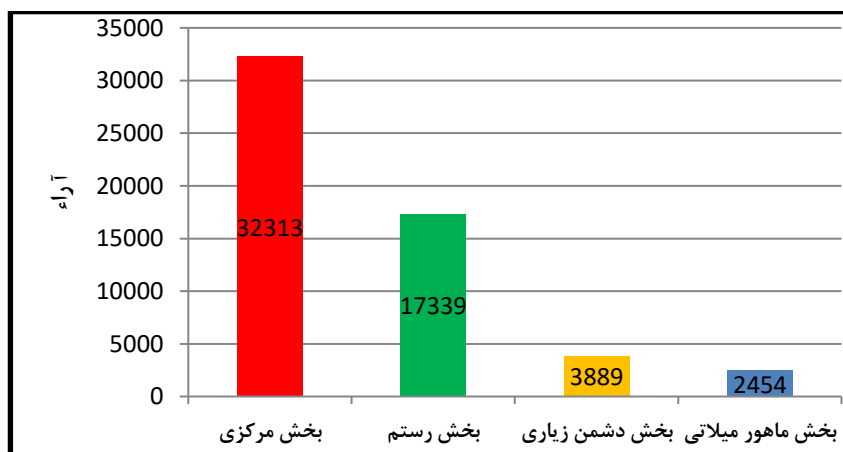
در ادامه، تاثیر هويت جغرافیایی و طایفه‌ای بر میزان و توزیع رأی اکتیویست‌های دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی بررسی و تحلیل می‌شود.

۱-۱-۵- تاثیر گرایش‌های طایفه‌ای بر پایگاه رأی‌آوری مسعود گودرزی

بر اساس آمار فرمانداری شهرستان ممسنی، مسعود گودرزی ۶۰/۸ درصد از مجموع ۹۲۰۳۲ آراء را کسب کرده است. همانطور که در نقشه ذیل (نقشه شماره ۲) مشاهده می‌شود از نظر توزیع فضایی، مسعود گودرزی از مجموع آراء خود، با ۷۷ درصد در مرحله اول و ۵۸ درصد در مرحله دوم بیشترین پشتیبان رأی را در بخش مرکزی که زیستگاه وی است، به دست آورده است. بخش مرکزی طایفه و زادگاه جغرافیایی مسعود گودرزی است و بسته به سایر بخش‌ها، مردم این قلمرو جغرافیایی، بالاترین رأی را به ایشان داده‌اند (نمودار شماره ۲). افزون بر این، باید به این نکته اشاره کرد، از آنجایی که مسعود گودرزی پیوستگی و پیوند سببی (خویشاندی از طرف همسر) با طایفه جاوید دارد، از این رو، مردم این طایفه از آن به عنوان «داماد» طایفه خود یاد می‌کردند و خویشاوندی و قرابت بیشتری احساس می‌کردند و بالاترین رأی را نسبت به دیگر طوایف به ایشان دادند (نقشه شماره ۲). آراء گودرزی در زیستگاه و طایفه خود گویای آن است که رأی‌دهندگان به دلیل نوعی قرابت هویتی و تعلق خویشاوندی و مکانی و چه بسا منافع کوتاه‌مدت و یا درازمدت، به نامزد هم‌هویت خود رأی داده‌اند. بنابراین می‌توان گفت، فرضیه اثرگذاری گرایش‌های طایفه‌ای - مکانی بر الگوی رأی مسعود گودرزی مورد تایید است.



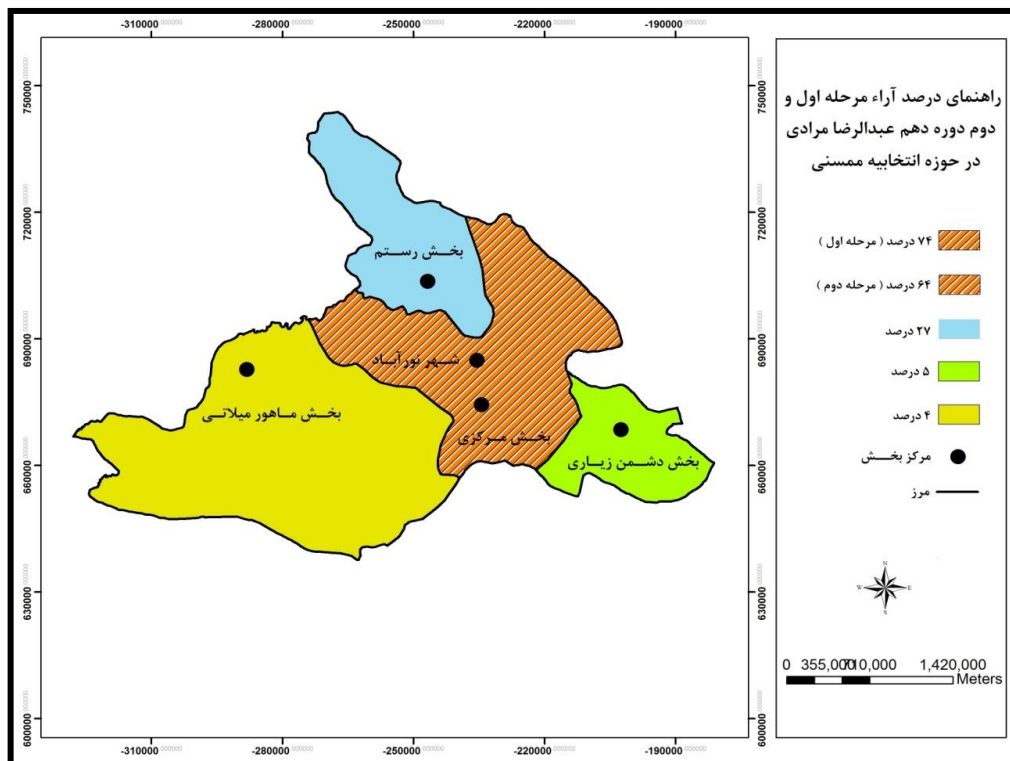
نقشه شماره ۲: تمرکز آراء زادگاه مسعود گودرزی در بخش مرکزی
 «مسعود گودرزی متعلق به حوزه جغرافیایی بخش (طایفه بکش) است»



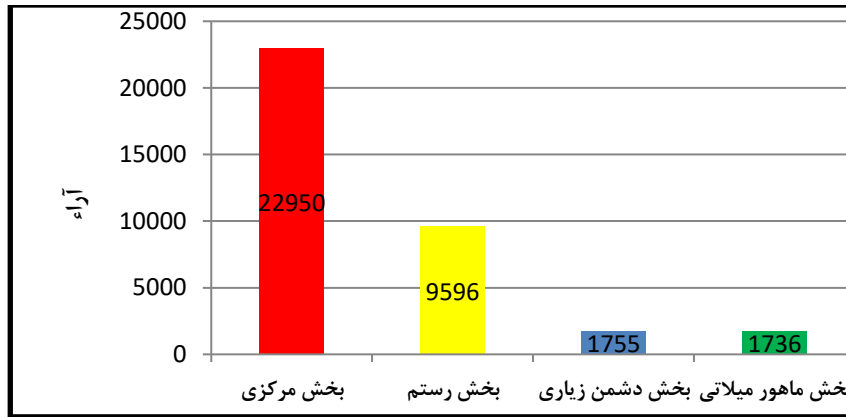
نمودار شماره ۲: آراء مسعود گودرزی به تفکیک بخش‌ها در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

۲-۱-۵- تاثیر گرایش‌های طایفه‌ای بر پایگاه رأی‌آوری عبدالرضا مرادی

بر پایه آمار فرمانداری شهرستان ممسنی، عبدالرضا مرادی ۳۹/۲ درصد از مجموع ۹۲۰۳۲ آراء را کسب کرده است. همانطور که در نقشه ذیل مشاهده می‌شود از نظر توزیع مکانی عبدالرضا مرادی از مجموع آراء خود، با ۷۴ درصد در مرحله اول و با ۶۴ درصد در مرحله دوم بیشترین پشتوانه رأی را در بخش مرکزی یعنی در طایفه بکش تحصیل کرده است (نقشه شماره ۳). در دیگر زیستگاه‌ها و حوزه‌های جغرافیای مختلف عبدالرضا مرادی آراء لازم را اخذ نکرده است (نمودار شماره ۳). این مسئله نشانگر این است که رأی‌دهندگان مصالح و منافع فرد و طایفه را بر منافع جمعی و کلان ترجیح داده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد خاستگاه تباری/خویشاوندی آراء مرادی در انتخابات مجلس دهم قابل توجه و اثرگذار بوده است.



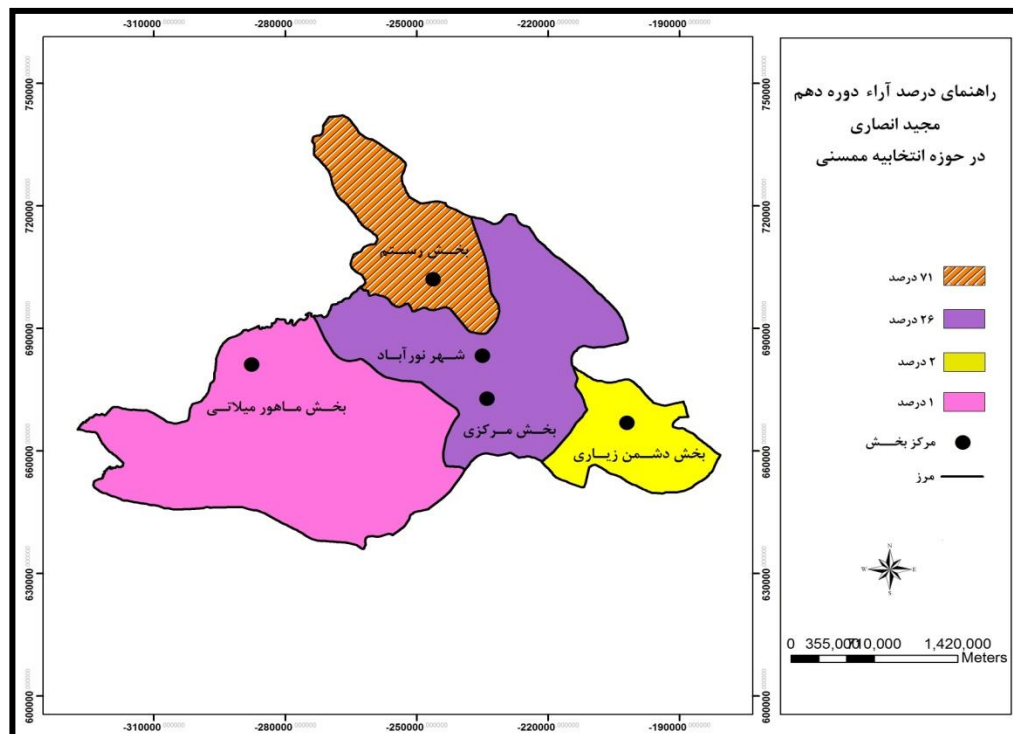
نقشه شماره ۳: تمرکز آراء زادگاه عبدالرضا مرادی در بخش مرکزی
«عبدالرضا مرادی متعلق به حوزه جغرافیایی بکش (طایفه بکش) است»



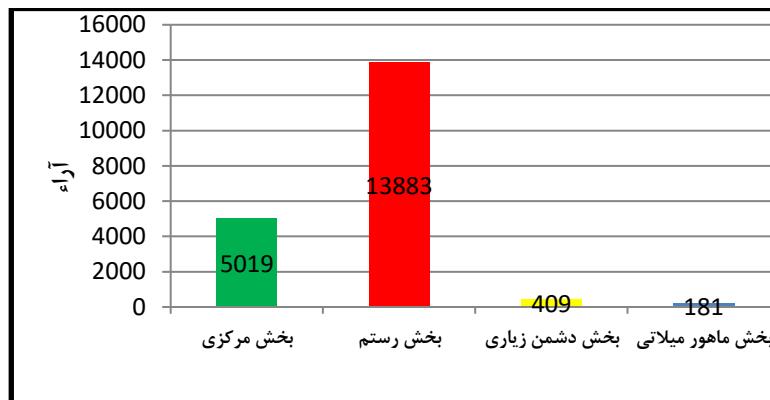
نمودار شماره ۳: آراء عبدالرضا مرادی به تفکیک بخش‌ها در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

۳-۱-۵- تاثیر گرایش‌های طایفه‌ای بر پایگاه رأی‌آوری مجید انصاری

بر بنیاد آمار فرمانداری ممسنی، مجید انصاری ۱۶ درصد از مجموع ۱۱۵۷۳۹ آراء را اخذ کرده است. با توجه به نقشه ذیل، از نظر پراکنش جغرافیایی، مجید انصاری از مجموع آراء خود، با ۷۱ درصد بیشترین رأی را در بخش رستم یعنی در زادگاه خود احراز کرده است (نقشه شماره ۴). وی در دیگر بخش‌ها و نواحی جغرافیایی آراء لازم را دشت نکرده است و از این رو نتوانسته است به مرحله دوم راه پیدا کند (نمودار شماره ۴). بنابراین می‌توان گفت مردم طایفه رستم احساس قرابت و نزدیکی بیشتری به کاندیدای هم‌طایفه خود داشته‌اند و به همین مناسبت و بستگی، بیشترین رأی را نسبت به دیگر نامزدها به ایشان داده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد نگرش‌های محلی و طایفه‌ای در الگوی رأی مجید انصاری اثرگذار بوده است.



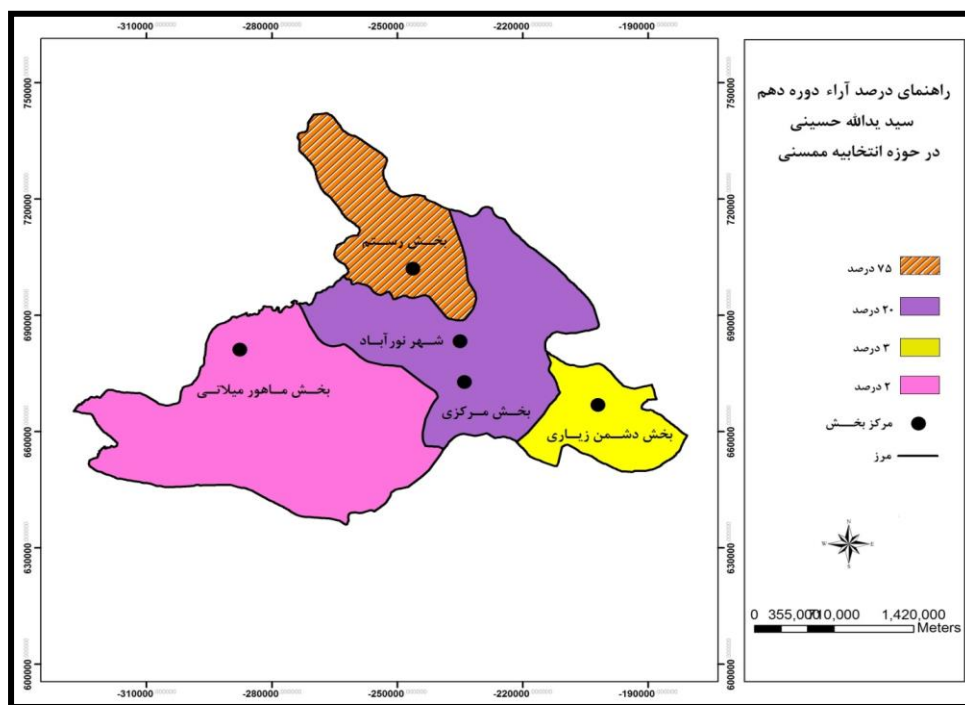
نقشه شماره ۴: تمرکز آراء زادگاه مجید انصاری در بخش رستم
 «مجید انصاری متعلق به حوزه جغرافیایی رستم (طایفه رستم) است»



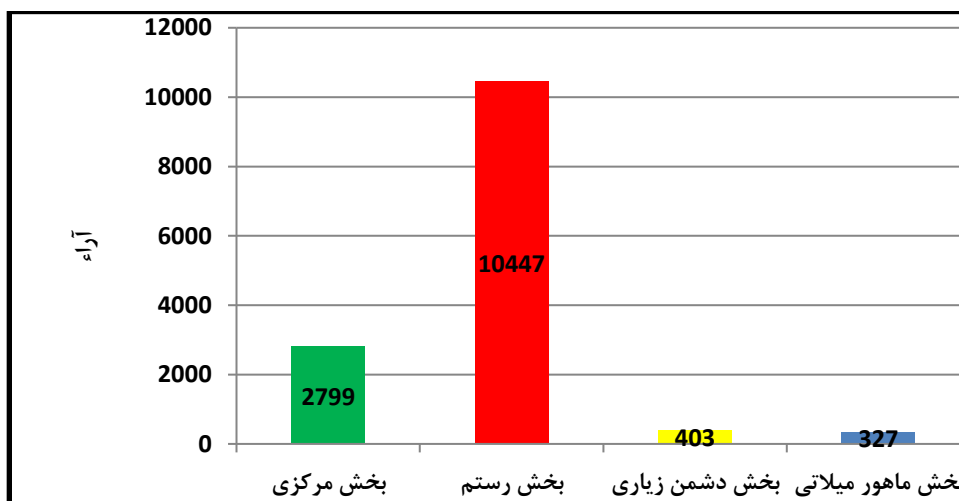
نمودار شماره ۴: آراء مجید انصاری به تفکیک بخش‌ها در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

۴-۱-۵- تاثیر گرایش‌های طایفه‌ای بر پایگاه رأی‌آوری سید یداله حسینی

بر مبنای آمار فرمانداری ممسنی سید یداله حسینی ۱۲ درصد از مجموع ۱۱۵۷۳۹ آراء را کسب کرده است. نقشه ذیل پخش فضایی آرای حسینی را در بخش‌های شهرستان ممسنی به تفکیک بر حسب درصد نشان می‌دهد (نقشه شماره ۵). از نظر نشر فضایی، این کنشگر از مجموع آراء خود، با ۷۵ درصد بیشترین رأی را در زیستگاه خود یعنی طایفه رستم اخذ کرده داشت و در دیگر مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی آرای لازم را بدست نیاورده است و بنابراین نتوانسته است به مرحله دوم انتخابات ورود پیدا کند (نمودار شماره ۵). این مسئله گویای این است که رفتار انتخاباتی ساکنان قلمرو جغرافیایی طایفه رستم سرشتی طایفه‌محور و گوه‌ری داشته است. یعنی پایگاه رأی‌آوری سید یداله حسینی متأثر از گرایش‌های طایفه‌ای - مکانی بوده است.



نقشه شماره ۵: تمرکز آراء زادگاه سید یدالله حسینی در بخش رستم
 («سید یدالله حسینی متعلق به حوزه جغرافیایی رستم (طایفه رستم) است»)



نمودار شماره ۵: آراء سید یدالله حسینی به تفکیک بخش‌ها در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

بنابراین می‌توان گفت انسان ممسنی در بند جغرافیای زیست خود در مقیاس زادگاه/محدوده طایفه است و تاکنون در عرصه سیاسی، کنش انتخاباتی را داشته/برگزیده که با انگاره‌های ذهنی و نیازهای محیطی متناسب بوده است. انتخاب و جذب این نوع رفتار انتخابی جغرافیامحور با مقیاس خرد/ناحیه‌محور، نه تنها ناراحتی‌هایی را برای این انسان فراهم

کرده بلکه به کُل حوزه انتخابیه ممسنی را کم‌پرستیژ/وزن و توسعه‌نیافته (انسانی/فرهنگی/سیاسی/اقتصادی) کرده است. راه نجات انسانِ ممسنی، رهایی/Emancipation است. رهایی از جذبِ آن دست‌کنش سیاسی که مقیاس فضایی محدود و نافراگیر دارد. گزینش زیستگاه (ممسنی) به جای زادگاه (طایفه/تیره/..) و خلق رفتار سیاسی با مقیاس فراطایفه‌ای/ممسنی-محور می‌تواند «رهایی‌بخش» و زمینه رشد و بالندگی حوزه انتخابیه ممسنی را فراهم کند. بنابراین رهایی^۱ در مقام قوی‌ترین نیرو در قانون جذب، انسان ممسنی را مترقی و پرمزلت می‌سازد. فرجام رها کردن طایفه‌گرایی، «توسعه» است.

۶- نتیجه‌گیری

جغرافیای انتخابات، در مقام یکی از گرایش‌های دیرپای جغرافیای سیاسی به واگشایی تعامل فضا، مکان و فرآیندهای انتخاباتی می‌پردازد. مقوله طایفه‌گرایی بازتاب هم‌اندیشی ساکنان گستره‌ای سکونتگاهی خاص است که احساس برآمده از آن، بالقوه زمینه‌کنش‌های اجتماعی و هماهنگ آنان به شمار می‌رود. به دیگر سخن، جستار طایفه‌گرایی برآیند گونه‌ای رفتار انتخاباتی به شمار می‌رود که عموماً رأی‌دهندگان منافع محلی، گذرا و فردی را بر منافع فراگیر، دیرپا و گروهی برتری می‌دهند. پدیده طایفه‌گرایی از جمله سازمایه‌هایی است که بر الگوی رفتار سیاسی رأی‌دهندگان در انتخابات تاثیر دارد. در ایران و بخصوص در مناطق پیرامونی کشور که عمدتاً بافتار ایلی و عشیره‌ای دارند، علقه‌ها و نگرش‌های دودمانی و طایفه‌ای، پُرسامدترین نوع کنش زیستی به شمار می‌رود. شهرستان ممسنی از جمله فضای جغرافیایی است که برخوردار از ساختاری عشیره‌ای و طوایف کثیر و مختلفی نظیر رستم، دشمن‌زیاری، جاوید، بکش و ماهور میلانی را در خود جای داده است. این فرم سنتی و گروه‌های اجتماعی طایفه‌ای، منجر به این شده تا رفتار انتخاباتی ساکنان و رأی‌دهندگان این حوزه انتخابیه، ماهیت و سرشتی قومی/طایفه‌ای داشته باشد. در دوره دهم انتخابات مجلس در حوزه انتخابیه ممسنی با وجود اینکه نامزدها از طیف سیاسی خاصی حمایت می‌کردند، اما آمارها بیانگر این است که همه نامزدها به یاری طایفه و خویشان پُرشمار و گسترده‌شان که در زیستگاه جغرافیای خودشان ساکن هستند، بیشترین پشتوانه آراء را کسب کرده‌اند. این مهم حکایت از این دارد که پایگاه رأی‌آوری نامزدها در دوره دهم، مضمون و درونمایه‌ای مکانی و طایفه‌ای داشته است تا فرمی طیفی و سیاسی. به عبارتی، واگشایی نتایج دوره دهم انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی، نشان داد که پایگاه رأی‌آوری نامزدها در شهرستان ممسنی بیش از آنکه تابع فرایند کلان دموکراسی باشد پیرو بازتولید رقابت‌های سنتی طایفه‌ای است. از این رو، شاهد برآمدن نمایندگانی از این حوزه انتخابیه هستیم که بخش عمده آراءشان سرشتی جغرافیایی و طایفه‌ای دارد. بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر تاثیر گرایش‌های طایفه‌ای -

^۱. رهایی از رفتار اجتماعی خرد/طایفه‌محور و جذب رفتار زیستی کلان‌محور/ممسنی‌محور.

مکانی بر نتیجه دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی تایید می‌شود. دستاوردهای این پژوهش ضمن نورآوری که داشته است، تایید و تکمیل‌کننده یافته‌های مقاله‌ای است به نام «بررسی تاثیر طایفه‌گرایی بر الگوی رأی‌دهی؛ مطالعه موردی شهرستان ممسنی» که در سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۴ در فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک به چاپ رسیده است.^۱ مقاله مذکور به تحلیل نه دوره انتخابات در ممسنی پرداخته است ولی پژوهش پیش‌رو با پردازش دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی مکمل مقاله نامبرده است. همچنین مقاله نامبرده ضمن تبیین نظری دو متغیر طایفه و طایفه‌گرایی، نظریات مرتبط با مسئله را تبیین نکرده است که پژوهش کنونی از عهده چنین کاری به درستی برآمده است. بنابراین مقاله پیش‌رو از دو جنبه: نخست؛ تحلیل ژرف دور دهم انتخابات و دوم؛ تبیین دقیق‌تر متغیر اصلی پژوهش یعنی طایفه‌گرایی به همراه بسط جامع نظریات مرتبط با طایفه‌گرایی، مکمل مقاله نامبرده است.

کتابنامه

1. Ahmadipour, Zahra & Mirzaetabar, Meysam. (2010); The role of sense of place in the political organization of space, *Geographical Journal of Environmental Studies*, Volume 4, Number 12, pp. 47-62.
2. Hafez Nia, Mohammad reza. (2017), *Principales and concept of Geopolitics*, Mashad, Publication of pupoli, [In Persian].
3. Hafez Nia, Mohamad Reza & Kavyani Rad, Morad. (2014), *Philosophy of political geography*, Tehran, Publications of the Research Institute of Strategic Studies, [In Persian].
4. Hafez Nia, Mohamad Reza & et.al. (2012); *Politics and space*, Mashad, Publication of pupoli, [In Persian].
5. Romina, Ebrahim & Sadeghi, Vahid. (2015), *Study the impact of tribalism on the voting pattern (case study: Mamsani city)*; *Journal of Geopolitics*, Year 11, number three, pp. 84-116.
6. Saedi, Abas. (2012), *Basics of rural geography*, Tehran, samt, [In Persian].
7. Sadeghi, Vahid. (2014), *Study the impact of tribalism on the voting pattern (case study: Mamsani city)*, Unpublished Master's Thesis, under the guidance of Mohammad Reza Hafez-Nia, Tehran, Department of Political Geography, Tarbiat Modares University.
8. Mamasani Governorate. (2016), *Minutes of the meeting report on the results of the first and second stages of the 10th term of the Islamic Council elections in Mamsani constituency*.
9. kavyani Rad & Et.al. (2021), *Geopolitical explanation of Tribe relations in Mamsani constituency*, 17th year, first issue, spring 1400, pp. 177-145.
10. Kohen, Bruce. (2011), *Principles of Sociology*, Translation by klolamabas tavasoli & Reza fazel, Tehran, samt, [In Persian].
11. Mirhedarm Dorre & Mirahmadi, Fateme Sadat. (2017), *The course of thought in traditional and modern political geography (1897 to the late 1980s)*, Tehran, Publication University of Tehran, [In Persian].

^۱. این مقاله توسط نویسندگان پژوهش پیش‌رو چاپ شده است.